

کتابخانه

۱۴۱۷۸۲۰

**خسونت زنان
در شاهنامه**

ماندانا مهتاب

سرشناسه	:	مائدانا، مهتاب، ۱۳۴۷ -
عنوان قراردادی	:	شاهنامه برگزیده شرح
عنوان و نام پدیدآور	:	خشونت زنان در شاهنامه / مائدانا مهتاب.
مشخصات نشر	:	تهران: آواستن، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	:	۱۷۶ ص.
شابک	:	978-600-6848-47-1
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	کتابنامه: ص: ۱۶۵.
موضوع	:	فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق. شاهنامه -- شخصیت‌ها -- زنان
موضوع	:	Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh -- Characters -- Women
موضوع	:	فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق. -- نقد و تفسیر
موضوع	:	Ferdowsi, Abolqasem-- Criticism and interpretation
موضوع	:	زنان در ادبیات
موضوع	:	Women in literature
موضوع	:	شعر فارسی -- قرن ۴ ق. -- تاریخ و نقد
موضوع	:	Persian poetry -- 10th century -- History and criticism.
موضوع	:	خشونت در ادبیات
موضوع	:	Violence in literature
شناسه افزوده	:	فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق. شاهنامه. شرح
شناسه افزوده	:	Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۷ / ۵۵۴۴۹۶
رده بندی دیویی	:	۱۰ / ۱۸۸
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۲۸۸۵۶۷



نام کتاب	خشونت زنان در شاهنامه
نویسنده	مائدانا مهتاب
شابک	978-600-6848-47-1
ناشر	آواستن
چاپ / صحافی	فرشیوه / روشک
نوبت چاپ / تیراژ	اول / ۱۳۹۷ - ۱۱۰ نسخه
قیمت	۲۴۰۰۰ تومان

تلفن و ایمیل ناشر : ۶۶۹۶۴۱۶۶ mail_avamtn@yahoo.com

۷.....	مفهوم خشونت
--------	-------------

فصل اول

۱۸.....	بیشگفتار / تعریف خشونت و پرخاشگری
۲۱.....	مفهوم خشونت
۲۲.....	خشونت از دیدگاه سرمایه‌داران / تهداقت / تاریخچه خشونت
۲۳.....	خشونت علیه زنان / خشونت خانوادگی / گستره خشونت / زن و خشونت خانگی
۲۴.....	مصادیق خشونت در خانواده / مصادیق خشونت در جامعه /
۲۵.....	مصادیق خشونت در دولت / انواع خشونت خانگی / خشونت‌ورزی شوهر به زن
۲۶.....	خشونت‌ورزی زن به شوهر / خشونت‌ورزی والدین به فرزندان
۲۷.....	خشونت‌ورزی فرزند به فرزند / شیوه‌های اعمال خشونت / خشونت اجتماعی
۲۸.....	خشونت لفظی / خشونت جسمی
۲۹.....	ضرب و شتم / قتل
۳۰.....	خشونت جنسی / خشونت روانی
۳۱.....	خشونت مالی
۳۲.....	کاربرد خشونت / علل بروز خشونت
۳۳.....	علل فردی بروز خشونت / ویژگی‌های شخصیتی در بروز خشونت
۳۳.....	عوامل موقعیتی در بروز خشونت
۳۴.....	تحریک قربانی در بروز خشونت / علل خانوادگی در بروز خشونت
۳۴.....	علل اجتماعی در بروز خشونت

- ۳۵..... شکل گیری و بروز خشونت.....
- ۳۶..... قربانیان خشونت / قربانیان تحریک پذیر.....
- ۳۷..... تعریف خشونت زن / بسترهای خشونت و پرخاشگری در زنان / ازدواج نکردن.....
- ۳۸..... استقلال طلبی / ناکامی و شکست / بی پروایی و خودنمایی / محرومیت.....
- ۳۹..... تداخل نقش زنان و مردان / عدم حضور در صحنه اجتماع.....
- ۴۰..... ترس و ناامنی / تبلیغ زندگی مرفه / بی قانونی.....
- ۴۱..... جرائم اجتماعی / پیامدهای روحیه پرخاشگری و خشونت در زنان.....
- ۴۲..... گناهان خشونت زنان شاهنامه / خشونت نرم.....
- ۴۳..... خشونت واکنشی / خشونت کنشی / زن در شاهنامه / آشنایی با شاهنامه فردوسی.....
- ۴۵..... تأثیر شاهنامه در واکاوی و فکر ایرانی.....
- ۴۶..... نگاهی گذرا به زن در تاریخ ایران و شاهنامه.....
- ۵۸..... تقسیم بندی زنان در شاهنامه / تیپولوژی هشت گروه از زنان شاهنامه.....
- ۵۹..... زن به عنوان غنیمت (ایرانی تبار) / ازدواج برای ارضای هوی و هوس (پلی گامی).....
- ۶۱..... زن به عنوان همسر یا به موقف همسر از مرد.....
- ۶۲..... ازدواج عاقلانه.....
- ۶۳..... ازدواج عاشقانه.....
- ۶۴..... نقش بنیادین همه ی زنان / زن به عنوان سیاستمدار، پادشاه.....
- ۶۵..... زن به عنوان قهرمان و دلاور جنگی.....
- ۶۶..... زن به عنوان هنرمند / زن به عنوان مستخدم، سرگرم یا به دور.....
- ۶۷..... زن به عنوان دلفریب، افسونگر و جادوگر.....
- ۶۸..... تقسیم بندی زنان در شاهنامه / زنان کنش مند / زنان منفعل.....
- ۶۸..... در نقد فمینیستی به تقسیم بندی دیگری نیز از زنان بر می خوریم.....
- ۶۹..... زنان سپید / زنان خاکستری.....
- ۷۰..... زنان سیاه.....
- ۷۱..... تقسیم بندی بر اساس ملیت / زنان ایرانی.....
- ۷۱..... زنان غیر ایرانی / زنان با ملیت نامشخص.....
- ۷۱..... تقسیم بندی زنان شاهنامه از دیدگاه سیمای زن.....

۷۲.....	تقسیم بندی زنان براساس خشونت زنان شاهنامه
۷۴.....	رودابه.....
۷۵.....	تهمینه.....
۷۶.....	منیژه.....
۷۹.....	ناهید.....
۸۱.....	فرنگیس (خشمگین بودن).....
۸۳.....	شهرنهر (زنان مبارز و جنگجو).....
۸۶.....	بارکش.....
۸۸.....	زربانو.....
۸۹.....	گردافرید.....
۹۰.....	همسر خاقان چیل / سر کشتاسب / قیدافه - جاه طلب و.....
۹۲.....	پوران دخت.....
۹۳.....	کنیز نگهبان شاپور - خیانت / شریکمان در شاهنامه.....
۹۴.....	خشونت کنشی (فعال) قتل ها / ردید - شوهر کشی (.....
۹۵.....	شیرین - هو کشی.....
۹۷.....	گلنار - فرمان قتل همسر.....
۱۰۲.....	مالکه (پدر کشی) / جریره (خود کشی).....
۱۰۵.....	جادوگر سودابه - سقط جنین (نیرنگ).....
۱۰۵.....	زنان فریبدهی خوان چهارم رستم و اسفندیار.....
۱۰۹.....	سودابه (خیانت).....
۱۱۵.....	زن بهرام سیاوشان.....
۱۱۶.....	همای چهارزاد.....
۱۱۷.....	زن در گذر تاریخ / دیدگاه غیر مسلمین نسبت به جایگاه زن.....
۱۱۸.....	زن از نگاه اندیشمندان اسلامی.....
۱۱۹.....	زن در میان تمدن های مختلف.....

۱۲۰.....	زن در ادیان الهی.....
۱۲۳.....	زن دردوران باستان.....
۱۲۵.....	پیشینه و مبانی وچارچوب نظری تحقیق / تحقیقات خارجی.....
۱۲۶.....	پیشینه تحقیقات مرتبط داخلی.....
۱۳۲.....	مبانی و چهارچوب نظری.....
۱۳۳.....	نظریه‌های مربوط به خشونت / نظریه‌ی یادگیری اجتماعی.....
۱۳۴.....	نظریه‌ی کنترل اجتماعی / نظریه‌ی فشار.....
۱۳۶.....	نظریه‌ی منابع / نظریه‌ی جامعه‌پذیری جنسیتی.....
۱۳۷.....	نظریه‌ی هویت جنسی.....
۱۳۸.....	نظریه‌ی ستم جنسی (پدرسالاری).....
۱۳۹.....	نظریه‌ی جنسیت / نظریه‌ی کارکردگرایی.....
۱۴۱.....	نظریه‌ی فرهنگ / نظریه‌ی انتقال بین نسل‌ها.....
۱۴۲.....	چارچوب نظری.....

فصل دوم

۱۴۷.....	پیشگفتار.....
۱۴۷.....	بعد خشونت ملایم (نرم).....
۱۵۲.....	بعد خشونت واکنشی.....
۱۵۵.....	بعد خشونت کنشی.....
۱۶۰.....	بحث و نتیجه‌گیری.....
۱۶۳.....	محدودیت‌های تحقیق / پیشنهادهای تحقیق.....
۱۶۵.....	فهرست منابع.....

مقدمه

یکی از موضوعات مطالعات زنان که توجه محافل و مجامع بین‌المللی را همواره به خود جلب کرده است، بحث خشونت و زنان است که به یکی از پرچالش‌ترین مباحث جهان معاصر تبدیل گشته است.

خشونت علاوه بر جنبه‌های انسانی و حقوق بشری، یک مشکل عمده سلامتی به حساب می‌آید و عواقب جسمی، روانی و اجتماعی آن می‌تواند سلامت زنان، خانواده و جامعه را به خطر اندازد. این پدیده؛ به یک منطقه جغرافیایی و یا طبقه خاص اجتماعی اختصاص ندارد و در همه جوامع در تمام لایه‌های اجتماعی قابل ردیابی است، هرچند میزان شیوع، نوع، شدت، عواقب و عوامل خطر آن متفاوت است. (احمدی، ۱۳۹۰: ۶۸)

اساسی‌ترین نکته این است که در هیچ داستانی از شاهنامه نمی‌توان مدعی شد که بدون نقش و تأثیر و حضور زنان پایانی شکل می‌پذیرد. یکی از جنبه‌های قابل بررسی شخصیت زن در شاهنامه، حضور زن در فعالیت‌های سیاسی و بروز خشونت و بررسی واکنش‌های شکل گرفته درباره این نوع فعلیت‌های آن‌ها است. زنان در

ساختن مفهوم قدرت، شهامت و حتی پرخاشگری در شاهنامه، نقش مهمی دارند. مفهوم زن نیز یکی از مفاهیمی است که در ساختن همین مفاهیم، و در شاهنامه دارای نقش مهمی است. هنگام بررسی مفهوم زن و خشونت، این پژوهش، هم با دیدگاه شاعر نسبت به زن و هم با اشکال پرخاشگری زنان می‌پردازد. افسانه‌های پیشین و روایت کهن‌تر داستان‌های شاهنامه و پایگاه و ارج زن در آن‌ها و سرانجام با گونگی و شیوه برداشت جامعه معاصر فردوسی از زن و سهمی که در آن دارند، نیمه دوم جامعه می‌داده‌اند. در نهایت چگونگی جای گرفتن زن در جاهای مختلف داستان در ساختن مفهوم قدرت و روی آورد زنان به خشونت و نیز توانایی هنری فردوسی، به مثابه راوی داستان، مورد نظر قرار می‌گیرد.

(مزدایور، ۱۳۳۸۲: ۷۱-۷۰).

در مورد شخصیت و نقش زنان در داستان‌های شاهنامه پژوهش‌های گسترده‌ای انجام پذیرفته است؛ مثلاً در مورد مردان شاهنامه نیز کمتر پژوهشی صورت گرفته است. بیشتر پژوهش‌ها پیرامون ارتباط چهره‌ی زنان، حضور آنان و رابطه‌ی آن‌ها با مردان یا پهلوانان شاهنامه بر مبنای هدف از انجام این پژوهش، تحلیل شخصیت زنان و خشونت زنان شاهنامه و نقش آنان در پیش‌برد داستان‌های شاهنامه است. بحث و بررسی در مورد این مسئله می‌تواند جایگاه زنان و عوامل خشونت‌زا، نقش و شخصیت آنان و نوع رفتار و روابط آن‌ها در محیط پیرامونشان را نشان دهد. همچنین عملکردها یا کنش‌ها و واکنش‌های آنان در داستان‌های مختلف را در شاهکار ارزنده‌ی چون شاهنامه، بیشتر و بهتر نمایان می‌آورد.

(علینی، ۱۳۹۰: ۳۴)

در بررسی زنان شاهنامه به زنانی برجسته و شاخص برمی‌خوریم که هر یک دارای ویژگی‌های استوار و غنی یک شخصیت معمولی و یک قهرمان ارزشمندند که هر کدام از آن‌ها به دلیل داشتن خوی‌های اصیل انسانی هستند، مثلاً جریره از این

دسته زنان است که با مرگ فرزند شکم خویش را می‌دراند و اگر دارای ویژگی دیگری هم نباشد، همین کردارش به تنهایی می‌تواند ستون‌های یک تراژدی بزرگ و جذاب را پی‌ریزی نماید. و یا سودابه به سبب فریبندگی و سوداگری‌اش، زنی دارای شخصیتی پیچیده است.

تهمینه مادر سهراب زنی است در اندازه‌های بزرگ مادری، او که به خاطر عشق به فرزند از فرسادن او به نزد پدر خودداری می‌کند و ناخواسته در گذشته شدن فرزند شریک می‌شود، دارای شخصیتی ویژه است.

در این تحقیق سعی به تحکیم بررسی نشده‌اند که فراتر از یک زن معمولی بوده و به لحاظ دست‌نویس‌های ویژه یا رفتارهای خاص دارای ویژگی‌های برجسته‌ای هستند و می‌توانند به عنوان شخصیت ویژه در آثار نمایشی به کار روند و از حضور هزاران زنی که فاقد ارزش‌های حماسی و نمایشی بوده‌اند چشم‌پوشی شده است.

(ظاهری عبدوند، ۱۳۹۰: ۸۹-۱۱۴)

با توجه به ویژگی‌های شخصیت‌زبان مانند قدرت طلبی، تهدید کردن دیگران، عدم توجه به اخلاقیات و خشمگین بودن، می‌توان گفت که آن‌ها از شخصیت‌های خشن و خشونت طلب محسوب می‌شوند.

رفتار و کنش‌هایی که از زنان سرمی‌زند، چندان مقبول نیست؛ اما دیدگاه‌های مردسالار جامعه در شکل‌گیری این نگرش منفی نیز دخیل نیست و بیشتر به‌همین دلیل است که از آن‌ها به عنوان یک پتیاره یاد می‌شود.

(ظاهری عبدوند، ۱۳۹۰: ۹۰)

سیمای زن در شاهنامه با چهره‌ای نه چندان نیکو به تصویر کشیده شده است که البته بیانگر نگاه زن در ادبیات سنتی، غالب در جامعه نسبت به زن است. در شاهنامه به عنوان بزرگ‌ترین حماسه‌ی ملی ایرانیان، در کنار نگاه مرسوم در ادبیات و جامعه‌ی ایرانی، دیدگاهی متفاوت نسبت به زن دیده می‌شود که جای بحث و

بررسی دارد. اگر چه در آثار ادبی به‌ویژه در ادب تعلیمی و امثال و حکم فارسی، زن چهره‌ی نیکو و برازنده‌ای ندارد، اما در شاهنامه با زنانی برتر آشنا می‌شویم، زنانی که خردمندی، فرزاندگی، زبان‌آوری، تدبیر و شهامت و قدرت از ویژگی‌های بسیاری از آنان است. زنانی که در مسائل سیاسی و اجتماعی، حضوری برجسته دارند و طرف رایزنی قرار می‌گیرند. نکته‌ی شایان توجه آن است که در کنار این ویژگی‌ها، زیبایی، لطافت، شرم و آهستگی، شیدایی و هنر عشق‌ورزی و وفاداری نسبت به همسر نیز از ویژگی‌های بسیاری از این زنان به‌شمار می‌رود. در شاهنامه زنانی هستند که به پادشاهی یا سپه‌سالاری و سرداری سپاه برگزیده می‌شوند. زنانی که به عنوان پیکر سفیر، مأموریتی را انجام می‌دهند یا در میدان نبرد شرکت و مبارزه می‌کنند.

(نظری، ۱۳۹۰: ۴۵).

اگر خشونت زن بری عام همان شمول است پرداختن به ریشه‌های خشونت در بنیادهای تمدن ایرانی بررسی را محدودتر و حد و مرز این پژوهش را محدودتر می‌سازد و امکان تعمق و تفکر فراهم می‌سازد و زمینه‌ی پژوهش را هر چه مشخص‌تر و خاص‌تر می‌کند. پرسش اصلی پژوهش پرخاشگری و خشونت زنان در شاهنامه به خاطر انجام پژوهشی موردی‌تر در فرهنگ‌ای می‌است. (بخشنده، ۱۳۸۸: ۳۶)

خشونت را می‌توان واقع‌ناپذیری دانست. گونه‌ی تحمل، نفی و نپذیرفتن واقع خشونت و پرخاشگری است. اگرچه غالباً خشونت را پدیده‌ای مردانه می‌پندارند اما به واقع پرخاشگری امری فراجنسیتی است و ربطی به جنسیت فرد ندارد. یکی از علت‌های استفاده از خشونت در سیاست و دیگر حوزه‌ها از نظر روان‌شناسی، جبران شکست‌های فردی است.

(دوورژه، ۱۳۷۹: ۸۰)

به همین خاطر جلوه‌های خشونت را می‌توان هم در رفتارهای زنانه و هم اعمال و رفتار مردانه به‌عینه مشاهده کرد. پرخاشگری و خشونت در عام‌ترین شکل آن می‌تواند پرخاشگری "علیه" یا پرخاشگری "بوسیله‌ی" باشد. در پژوهش حاضر مراد

از خشونت‌گونه‌ای از پرخاشگری است که معمولاً کمتر به چشم می‌آید و اشکال نامحسوس‌تر و لطیف‌تر خشونت‌ورزی است (اگر خشونت‌ورزی مردانه که غالباً ابعاد وسیع‌تر، ویرانگرتر و زمخت‌تری را دربرمی‌گیرد). پس در این بررسی با گونه‌ای مستتر و ناآشکارتر پرخاشگری سروکار داریم. سخن گفتن از خشونت زنان بر این اساس ممکن است امری غیرمتعارف به نظر آید اما در واقعیت امر پرخاشگری بخش، بخشی از فرهنگ بیمار بشر بوده و هست. در تاریخ پر فراز و نشیب و سراسر رنج و مرارت نوع انسان یا به عبارت زیست‌شناختی، انسان "هوموساپینس" *homo sapiens* پرخاشگری و خشونت‌ورزی همیشه بخشی جدایی‌ناپذیر از غریز، روانی، تاری آدمی بوده‌است.

(رجایی ۱۳۹۲: ۳۲).

در قرآن آدمی برآمیده‌ای از حیوان و تکامل نیافته‌ی هویت انسانی مربوط می‌شود. تکامل انسانی سیرگذار از طبیعت به فرشته‌گونگی است هم از این رو در گرگ و میش گذار از حیوانیت به معنویت و عسایل ملکوتی آدمی چه زن و چه مرد باید خوی حیوانی، درنده‌خویی، تجاوزگری، ستم‌گری و پرخاشگری را رفته‌رفته از خود بزدايد. در این روند معنوی و تکاملی نوع انسان به‌ویژه انسان "زن"، به عنوان جنس لطیف‌تر می‌تواند و باید نقش و سهم بیشتری ایفا کند.

(رجایی، فروم، ۱۳۹۱: ۱۹).

وقتی رفتار انسان خودخواهانه یا به شیوه‌ای که مستلزم تجزیه به حقوق دیگران است باشد، درواقع به‌جای عمل به‌شیوه سازنده و تقویت رفتار مثبت، مخرب و خشونت‌بار خواهد بود. در برخی انسان‌ها یک احساس نارضایتی درونی از اجتماع و محیط اطراف وجود دارد و زنان نیز مستثنی از این اصل نیستند. افزون بر این تغییر در رفتارهای خانوادگی، دیدن صحنه‌های خشن و خشونت‌بار در فیلم‌ها، و نیز احساس زنان در مقایسه حقوق خود با دیگران و برداشت این تفسیرکه از حقوق

کمتری نسبت به مردان بهره‌مند شده‌اند از مهم‌ترین دلایل بروز خشونت و تغییر رفتار در زنان می‌باشد. (صادقی، ۱۳۸۵: ۳۴)

زنان برای احقاق حق خود یا اعتراض به وضع موجود ممکن است به انواع خشونت مثل قهرکردن از خانه، جدایی عاطفی، جدایی از کانون خانواده، جدایی جنسی و طلاق متوسل شده تا بتوانند مردان را در تنگنا قرار دهند. گاهی اوقات رفتار و تفکرات زنان، خانواده را علیه مردان برمی‌انگیزاند. این مسئله باعث می‌شود که مرد در خانه آن چنان که باید احساس امنیت روحی و روانی نکند و خود را در خانواده بیگانه ببیند. در این حالت مرد نوعی طغیان را در خانواده خود احساس می‌کند و این بدترین نوع خشونت علیه مردان است. یکی از دلایلی که باعث خشونت در بین زنان می‌شود، نگرانی از خشونت از سوی مردان است. در این هنگام زن از لحاظ جسمی، روحی و روانی آسیب می‌بیند در چنین وضعیتی زن با هدایت اطرافیان، سرزنش‌ها و حمایت‌های خانواده، فرزندان میل به ایستادگی پیدا می‌کند که این موضوع به خشونت علیه او منتهی می‌گردد. ضعف اقتصادی، بیکاری، ندادن نفقه، خیانت شوهر به زن و اعتیاد از سوی زن، اصلی بروز خشونت از سوی زنان علیه مردان است. (صادقی، ۱۳۸۵: ۵۶)

خشونت زنان می‌تواند تلنگری به وجدان زنانه باشد. مسئولیت خطیر خود را به عنوان نیمه‌ی لطیف آدمی دریابد، چرا که خشونت نیز به عنوان ابزاری برای تداوم و تقویت فرمان‌برداری از مردان استفاده می‌شود. خشونت همچنین از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. فرزندی که خشونت علیه مادران‌شان را شاهد داشته‌اند در دوران بزرگسالی برای حل اختلاف‌های خود بیش از سایرین به خشونت روی می‌آورند. دخترانی که شاهد خشونت علیه مادران‌شان بوده‌اند نسبت به سایر دختران به احتمال بیشتری قربانی خشونت شوهران‌شان خواهند شد.